

روستاگردی به شرط آگاهی

◀ رئیس انجمن گردشگری کشور در گفت‌وگو با «شهروند»:

جامعه محلی هم در گردشگری مسئولانه نسبت به مسافر سهیم است

◀ اشکان بروج، فعال گردشگری در گفت‌وگو با «شهروند»:

گردشگری روستایی هنوز آنقدری در میان مردم ایران جان‌نفتاده است

شهروند ارد‌های سبزی، دریاچه و رود پر آب، خانه‌های کاهگلی، کپر، صیغف و دام‌های در حال چرا و یک صبحانه کامل با پنیر و نان محلی؛ اینجا تصویر یک روز بهاری دور از هیاهو و ترافیک شهر است. رفتن به روستا دور بودن از خیابان‌های شلوغ و پر بود شهر، نقشه خوبی برای روزهای تعطیل مسال جدید است که اگرچه رونق اقتصادی را در روستا رقم خواهد زد باید با آگاهی گردشگران همراه باشد. روستاگردی جاذبه جدید توریستی است که از چندسال قبل مورد توجه ایرانی‌ها هم قرار گرفت. مردم به سمت کویر منجانب رفتند، سفر به چشمه‌های یاداب‌سورت، دریاچه‌نئور اددیل، دریاچه چورت در استان مازندران، دریاچه اوان در جاده پر و بچ و خیم الموت و جزیره‌های جنوب مثل هرمز با هنگام آنقدر تکرار شدد و تورهای گردشگری برای دیدن منظره‌های بکر و زیبایه این مناطق به راه افتاد. اما بعد از مدتی سر و صدای جوامع محلی و فعالان گردشگری در آمد. قرار بود با ورود گردشگران به روستا، کمی هم به اقتصاد در حال رکود روستایان کمک شود اما گردشگران بدون آگاهی از موقعیت منطقه و باید و نبایدهای سفر هر جا که رفتند جز آلودگی‌های زیست‌محیطی و تخریب ظرفیت‌های محلی، ناهنجاری‌هایی هم رقم زدند تا جایی که مردم برخی روستاها با نصب تابلوهایی در گردشگران را به منطقه زندگیشان ممنوع کردند. اویس کیانی، رئیس انجمن گردشگری کشور درباره اهمیت توجه به جوامع روستایی به‌عنوان مقصد گردشگری به «شهروند» می‌گوید: «قبل از ورود مسؤلان همیشه مهمترین سرتیتر سفر، احترام به جامعه محلی بوده و هست. مسافر باید لذت تأم با احترام به میراث ملموس و ناملموس و محیط‌زیست مقصد را در نظر داشته باشد. بنابراین باید آموزش و فرهنگ‌سازی از طریق رسانه‌ها و انتقال شاخص‌های فرهنگی کدهای اخلاقی مطابق با استانداردهای توسعه پایدار، به افشار مختلف در دستور کار قرار داد.» او درباره اقدامات مردم محلی در مقابل گردشگران می‌گوید: «جامعه محلی هم در گردشگری مسئولانه نسبت به مسافر سهیم است. بدان معنا که وقتی کیفیت خدمات خود را به نوبه خود و در وسیع بومی خود در بهترین کیفیت و با درجه بهداشت بالاتری عرضه کند قطعاً به این چرخه کمک کرده‌است. این جاده وسط قه‌ است و در دوره زمانی متناسب این بدنه بستان سالم باعث رونق گردشگری می‌شود. همان‌طور که مسافر باید به قصد نیت تجربه‌گری در قالب اجتماعی و فرهنگی سفر کند میزبان هم باید بداند اختلاف فرهنگی مسافر را نه تنها باعث ضرر اون نیست بلکه باعث افزایش و توسعه نگاه اوست. اغلب این مکانیزم به کندی پیش می‌رود زیرا در برخی جوامع حالت کار و دو تلافی وجود دارد. این مهم به دو دلیل رخ می‌دهد. نخست این که میزبان تجربه تلخی از حضور مسافران در جامعه پیرامونش داشته یا

جامعه میزبان هنوز به ارزش افزوده حضور مسافر پی نبرده است.» کیانی معتقد است اقداماتی که می‌توان در این مواقع انجام داد آموزش و ایجاد فرهنگی صحیح است تا از بنیان این روند صحیح پیش برود و توسعه یابد و برای اجتماع میزبان و میهمان ارزش آفرینی کند. «در گام نخست باید مسافران در این چرخه پیشتاز باشند و صحیح رفتار کنند و طبق الگوی معروف: سفر کنند، لذت ببرند و احترام بگذارند. مردم باید به مقصد منظر خود سفر کنند و خاطره خوبی برای میزبان فراهم کنند تا میزبان برای گام‌های بعدی بتواند با نگاه خلاقانه به‌شکوفایی در امر میهمان‌نوازی صنعتی برسد. اگر این اتفاق بیفتد این چرخه به سلامت رشد خواهد کرد و از گان نظارتی هم بستری برای تعالی دارد تا استانداردهای توسعه پایدار را پیاده‌سازی کند».

آموزش فرهنگ گردشگری در روستا

قبل از معرفی مقاصد گردشگری

بسیاری از کارشناسان معتقد به اهمیت فرهنگ‌سازی قبل از معرفی مقاصد روستاگردی‌اند، مثل اشکان بروج، فعال و متخصص گردشگری، جهانگردی، اکتور بیسم و هتلداری، او در گفت‌وگو با «شهروند» به آسبب‌های وارد شده است که گردشگری روستایی از سوی گردشگران انتقاد کرد: «قبل از آنکه روستاهای گردشگری را به مردم معرفی کنیم حتماً باید فرهنگ گردشگری را به آنها یادبدهیم تا بدانند که باید ضمن بازدید از این مناطق از تخریب آن جلوگیری کنند.» او معتقد است که گردشگری روستایی هنوز آنقدری در میان مردم ایران جان‌نفتاده است که بتوان مناطق خوب و بکر گردشگری را به آنها معرفی کرد: «رفتن به روستا آگاهی خاصی را می طلبد اینکه بدانیم زیاله را در طبیعت جا نگذاریم، به هر جایی ازش روشن نشکنیم، هر چویی هم‌زیست و شاخه‌های درختان را قطع نکنیم، برای کمک به اقتصاد روستایی، خریدمان را احتما از این مناطق انجام دهیم و غذاهای سنتی آنها را بنامیم و حتی مایحتاج یکی دو روزه خود را از آنها خریداری کنیم. در کوله فقط وسایل لوله خود را بخریم. از جیع‌زدن در این مناطق خودداری کنیم، هنجارهای فرهنگی منطقه را رعایت کنیم، با مردم محلی ارتباط بگیریم و از آنها به‌عنوان لیدر استفاده کنیم چون آنها بهتر مناطق گردشگری روستا می‌ی شناسند. برای آنها دستمزد تعیین کنیم. از این طریق در آمدی هم کسب کنند اما از پرداخت مبالغ بی‌مورد به آنها خودداری کنیم.» جز آگاهی که به گردشگران مربوط است، جوامع محلی هم باید آمانگ‌کی لازم برای نخواستار باشد. گردشگران با داشته باشند؛ موضوعی که اشکان بروج هم درباره آن می‌گوید: «جامعه محلی هم باید آمانگی داشته باشند تا گردشگری توسعه پیدا کند، صنایع دستی خود را معرفی و عرضه کنند، رستوران‌ها و مهمانسراهای محلی را توسعه دهند» او معتقد است که تاکنون میزبانان

کمی برای فرهنگ‌سازی گردشگران روستایی انجام شده است تا به توانمندی دو طرف، بینجامد: «همیشه اینطور بوده است که یک مقصد گردشگری معرفی شده است، مردم رفته‌اند آن جاتخریب کرده‌اند و بعد از فعالان گردشگری برای کمک به جوامع محلی رفته‌اند تا وضعیت افتضاح را به صفر برسانند، بنابراین سازمان‌های غیردولتی برای گردشگری رشد پیداکنند تا ببحث فروش و بازاریابی و غیره را به مردم یاد بدهند. از سویی دیگر، در حین اینکه توره‌ها مردم را به این مناطق می‌برند، آموزش و آگاهی دادن به آنها را هم آغاز کنند تا یادگیری از همین طریق نهادینه شود.» این فعال گردشگری تمام مشکلات را ناشی از توسعه ناپایدار گردشگری می‌داند: «در سال‌های گذشته به‌قدری گردشگر به سوباتان در ارتفاعات اربیل از بیلای‌های بی‌نظیر این منطقه رفتند و کارهای ناهنجار انجام دادند که مردم آن‌جا گلایه‌مند شدند. در جزیره هرمز همه جا پر از زیاله است و تا گردن در آن‌جا چادر زدند. چشمه‌های یاداب‌سورت از زیاترین مناطق گردشگری ایران با ورود گردشگران به آن، آسیب دید، با ماشین روی سازه‌های آن تردد کردند، در حالی که سال‌ها زان می‌برد تا هر میلیمتری از رسوبات آهکی در دست شود. دریاچه چورت کاشهر و ساری و ۱۰ کیلومتری

روستای چورت هم همین‌طور، مردم آن قدر در آن‌جا چسار زدند و تردد کردند که مردم محلی، دریاچه را ببستند و گفتند دیگر مردم را راه نمی‌دهیم.» او از کویر مرنجاب هم نام برد که گردشگران طبیعت آن‌جا را از بین بردند: «بونه‌های منطقه را از جا درآورده و با بیابان دقتی حیواناتی مثل قوچ و مار که برای اکوسیستم آنجاست را زیر می‌گیرند. همه اینها باعث شده است تا جوامع محلی در این مناطق نزارحت نشوند و در مواردی حتی از ورود گردشگر به روستا جلوگیری کنند، بنابراین حتماً باید ابتدا آمانگ گردشگری را به مردم یادبدهیم و همین‌طور به جوامع محلی هم آموزش رسید؛ روستایی که در گردشگری جوامع روستایی عوامل اجتماع، اقتصاد، فرهنگ و محیط زیست یا یک‌دیگر در ارتباط هستند و اگر اجتماع، فرهنگ و محیط زیست این مناطق آسیب ببیند، اقتصادی هم‌گرفته نخواهد بود. امیرپناه در ختالی راهنمایی گردشگری هم‌البته همین اعتقاد را دارد که باید به گردشگران و جوامع محلی آموزش‌های لازم را داد: «گردشگران باید حاکمتر در آمدنای ا برای روستایان داشته باشند، اما به این موضوع هم توجه کنند که نوع پوشش و پر خورد، با روستاییان باید به نحوی

خلخالی راهنمای

گردشگری در گفت‌وگو با

«شهروند»؛ گردشگران باید

حداکثر در آمدمزایی را برای

روستاییان داشته‌باشند

•••••

قبل از آنکه روستاهای

گردشگری را به مردم معرفی

کنیم حتماً باید فرهنگ

گردشگری را یادبدهیم

باشد که آنها را اذیت نکنند چون مردم رنجان مذهبی هستند و خیلی روی مسائل اعتقادی حساسیت دارند»

ادامه گزارش‌ها گفت‌ا از همان مناطق بکر و دست‌نخورده روستایی است که برخی فعالان گردشگری اطلاعات آن را در اختیار «شهروند» گذاشته‌اند.

روستاهای رنجان: روستای قوزلی رنجان در جاده تکاب به تخت سلیمان، بهاری دیدنی دارد و دارای تاریخ و زمین‌شنسی نابی است. خانه‌های این روستا مانند ماسوله پلکانی است و سقف یک خانه، حیاط خانه دیگری است. این روستا منظره‌های ناب با درهای سرسبز دارد که کوچک‌های آن هم شیرین و نیست و مردم در آن از هیزم سوخت‌های حیوانی استفاده می‌کنند. «شبت» روستایی در بخش شمالی استان رنجان است. فاصله این روستا تا مرکز استان نزدیک به ۱۲۶ کیلومتر است. در این روستا غار شگفت‌انگیزی وجود دارد با افسانه‌هایی گوناگون و شنیدنی.

روستای شیلندر یا چیلندر هم در ۶۴ کیلومتری شهر رنجان است؛ روستایی که بعد از روستای پلکنی روستای علی آباد با معماری پلکنی ساخته شده است. جاده منتهی به این روستا جاده رنجان- طارم است و البته بعد از سد تهم و روستای تهم با یک جاده فرعی خاکی به آن خواهید رسید؛ روستایی که بر است از آبشارهای فراوان، روستای در سحین در ۱۵ کیلومتری شرقی اهر در استان رنجان قرار دارد. این دهستان قدمت چندصدهاله داشته و از پنج طایفه اصلی و بزرگ تشکیل شده است که هر کدام در گذشته دارای بزرگانی بودند که اداره بر عهده آنها بود.

روستای زنجیره علیا: این روستا از توابع بخش مرکزی شهرستان چرداول و در ۸ کیلومتری شمال شهر سرباله و ۴۰ کیلومتری مرکز استان ایلام است. این روستا

یکی از روستاهای قدیمی و بزرگ استان ایلام است و تنگه باستانی زنجیره و امامزاده پیرحسین از آثار و یادمان تاریخی و مذهبی آن به‌شمار می‌رود. تنگه زنجیره در دوران گذشته اهمیت سوق الجیشی داشته و هنگام حملات دشمنان به‌عنوان مکانی جهت موضعگیری دفاعی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. قدمت این روستا به بیش از دو قرن می‌رسد چشمه‌های دره بالادست روستای زنجیره علیا از دیگر جاذبه‌های طبیعی روستا به‌شمار می‌رود که به‌بار و تابستان به محل مناسبی برای استراحت و گذراندن اوقات فراغت گردشگران تبدیل شده‌است. صنایع دستی روستای زنجیره علیا شامل انواع قالی، گلیم و جاجیم در طرح‌ها و رنگ‌های متنوع است که توسط زنان و مردان روستا بافته می‌شود.

روستای درک: روستایی که دارای پاک‌ترین ساحل ایران است که هم ساحل ماسه‌ای و هم صخره‌ای دارد. آب شیرین این مجموعه در چند قمنی آب شور دریا از دل چاه‌ها سر برآورده است. روستای درک زرآباد که به دلیل نزدیکی به منطقه از آذ چله‌بار هم روستای درک چله‌بار هم معروف است، ۱۷۰ کیلومتری جنوب چله‌بار، در امتداد سواحل دریا می‌مکان و ۱۰ کیلومتری زرآباد قرار دارد.

روستای هجیج: روستای هجیج از شمال غرب و جنوب به کوهستان‌های کوسلان و شاهو محدود و ارتفاع آن از سطح دریا ۹۷۰ متر است. این روستا اقلیمی معتدل و کوهستانی دارد و رودخانه سیروان از نزدیکی این روستا می‌گذرد. وجود امامزاده سید عبیدالله از فرزند امام موسی کاظم، معروف به کوسه هجیج بیانگر این است که روستا سابقه تاریخی زیادی دارد چون قدمت مقبره سید عبیدالله حدود ۱۲۳۰ سال است.

روستای لی لی بوت (ماخونیک): یکی از هفت روستای شگفت‌انگیز جهان است و به لحاظ شهرت آن به شهر «لی بوت‌ها»، جذیبت‌های حیرت‌انگیزی دارد. ماخونیک اسم روستایی است که در دهستان درخ بخش مرکزی شهرستان سریشه استان خراسان جنوبی واقع شده است. مهمترین ویژگی این روستا بافت قدیم آن است که در بافت قدیم خانه‌های محقر خشتی گلی بدون حیاط



و ایوان و پنجره و کپب تا کپب هم ساخته شده‌اند که هنوز بعد از گذشت سال‌ها برخی از اهالی این روستا در این خانه‌ها زندگی می‌کنند. بافت مسکونی روستا در دامنه تپه و خانه‌ها به‌طور فشرده به هم و در گودی زمین ساخته شده است. کف خانه حدود یک متر از سطح زمین پایین‌تر است و در‌های کوتاهی دارد که باید برای رفتن به داخل خانه‌ها دولا شد. زنجیره علیا شامل انواع قالی، گلیم و جاجیم در طرح‌ها و رنگ‌های متنوع است که توسط زنان و مردان روستا بافته می‌شود.

روستای «اوریان کرج»: این روستا در بخش شرقی سد امیر کبیر (کرج) و در حدود ۲۵ کیلومتری از ابتدای جاده چالوس است که دو نمای زیبایی از جاده کرج-چالوس دارد.

این روستا قبل از احداث سد کرج در بستر کنونی دریاچه سد کرج قرار داشت. روستای اوریان با درختان سرسبز، آبشارها، جویبارها، رودهای کوچک روان، چشمه‌های گوناگون جوشان، گل‌های زیبا، پرانه‌های رنگی، جیرجیر ک‌ها، کوه‌های پیرامون، گیاهان دارویی، طبیعت دل‌انگیز، آب و هوای عطر غالب، زیبایی به روستا داده است. جالب است برای آسایش و استراحت خانواده‌های ایرانی به ویژه کرجی‌هاست.

روستای «ور کانه»: این روستا در ۲۲۰ کیلومتری همدان است. کوچ‌های سنگی و معماری خاص، این روستا را در لیست روستاهای گردشگری ایران جای داده است، سنگ‌های لاشه علاوه بر بی منزل در بخش‌های بیرونی از جمله دیوارها، بنده خانه‌ها و حتی سنگفرش کف کوچک‌ها معماری‌اش است. اگر راهی این روستا شوید در همان بدو بنادید پرופسور موسوند، نخستین سازنده قلب مصنوعی جهان در روستای «ور کانه»، به دنیا آمده است. روستای «ور کانه» این روزها قربانی نوسازی‌های غیراصولی تاریخ و معماری‌اش است. اگر راهی این روستا شوید در همان بدو ورود با مشکلاتی چون توقفگاه گردشگر و پارکینگ مواجه خواهید شد و این گوشه‌ای از نداشت‌های «ور کانه» است، اما با همه این حرف‌ها روستای سنگی «ور کانه» حرف‌های بسیاری در حوزه گردشگری برای گفتن دارد.

سفره «هفت‌سین» کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان کرمانشاه در میان زلزله‌دها پهن می‌شود

بهار امید

نمایشگاهی در نظر گرفته شود تا دست‌سازهای کودکان زلزله‌زده کرمانشاه در آن به‌نمایش گذاشته شود و مسافران نوروزی در بازدید از این نمایشگاه این دست‌سازها را بخزند.» به گفته فتاحی، به‌زودی محل پرترگاری این نمایشگاه مشخص می‌شود، اما به هر حال مکانی در مرکز سرپل ذهاب است، تا دسترسی به آن هم آسان باشد: «تمام برنامه‌های نوروزی برای اهالی در نظر گرفته شده است. چرا کودکان و نوجوانان کرمانشاه در شرایط نامناسبی نبودند، اما حالا به برنامه‌های مانیاز دارند، به همین دلیل برنامه‌ها به نام‌های نوروزی به صورت عمومی برگزار کردیم که با همکاری مربیان کانون در کرمانشاه و در قالب اردوهای سیار و دو پایانه در سرپل ذهاب و ثلاث باباجانی اجرامی شود.»

برنامه‌های نوروزی اجرا می‌شود تا کودکان احساس شادی کنند: «برگزاری این برنامه‌ها نشان می‌دهد که زندگی، روشنی و امید هنوز وجود دارد و بچه‌ها احساس نکنند که زندگی‌شان سراسر ناراحتی است، بهار یک نگاه نویسی دارد که روی روان کودکان تأثیر می‌گذارد، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان کرمانشاه نخستین سازمانی بود که بعد از زلزله برنامه مطرح برای کودکان زلزله‌زده برگزار کرد که هم‌زمان پیامبر مهریانی بود و به مناسبت تولد پیامبر برگزار شد، پس از آن هم برنامه شب پلدا را داشته‌است که با حضور عروسک‌ها و مربیان بر باشد و فضای شادی در میان زلزله‌زده‌ها ایجاد کرد. حتی برنامه حاجی فیروز هم زودتر از سایر نهادها برای این افراد اجرا می‌شود.»

یک روز از زلزله نمی‌گذشت که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان کرمانشاه کارش را در مناطق زلزله‌زده شروع کرد و پروژه امداد‌سانی فرهنگی را استارت زد: «ما از بیست‌ودوم آبان‌ماه یعنی یک روز بعد از زلزله، در آن مناطق، یک حرکت فرهنگی را شروع کردیم که البته استقبال زیادی از آن شد، پروژه امداد‌سانی فرهنگی با حضور عروسک‌ها و مربیان از سراسر کشور اجرا شد که از نظر ما یک کار امدادی بود، ما در قالب این پروژه ۲۲ هزار بسته فرهنگی برای دانش‌آموزان دو هزار روستا و شهر زلزله‌زده توزیع کردیم، برایشان نمایش و فیلم اجرا کردیم و هندیای زیادی در میانشان توزیع کردیم، پروژه امداد‌سانی فرهنگی هنوز هم ادامه دارد، قبلاً با کمک مربیان از سراسر کشور بود و حالا از سوی مربیان کرمانشاه اجرا می‌شود.»

شهروند | عید کودکان زلزله‌زده کرمانشاه،

امسال، عید دیگری است؛ آنها، کودکان زلزله‌زده کرمانشاه از سسرپل ذهاب تا ثلاث باباجانی، بهار را متفاوت شروع می‌کنند. امسال سفره دیدنشان، داخل خانه‌های واقعی یا دیوارهای واقعی و سقف واقعی پهن نمی‌شود، آنها سال را کنار همسایه‌ها و اهالی محل‌شان تحویل می‌کنند، سفره‌ای به بزرگی تمام زلزله‌زده‌های کرمانشاه. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان کرمانشاه در شرایط نامناسبی نبودند، اما حالا به برنامه‌های مانیاز دارند، به همین دلیل برنامه‌ها به نام‌های نوروزی به صورت عمومی برگزار کردیم که با همکاری مربیان کانون در کرمانشاه و در قالب اردوهای سیار و دو پایانه در سرپل ذهاب و ثلاث باباجانی اجرامی شود.»

مهنار فتاحی مدیر اداره کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان کرمانشاه است و درباره برنامه‌های نوروزی کانون به «شهروند» توضیح می‌دهد: «نخستین اقدامی که در قالب برنامه نوروزی برای اهالی زلزله‌زده کرمانشاه انجام شد، فرستادن حاجی فیروز به مناطق زلزله‌زده بود، این کار هم از سوی یکی از مربیان کانون انجام شد که با پشتیبانی مخصوص به میان کودکان رفت و برنامه‌اش شعر خواند.» حالا کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان کرمانشاه برنامه ویژه‌ای برای کودکان ثلاث باباجانی دارد: «قرار است با حضور عروسک‌ها و مربیان کانون که کرمانشاه به ثلاث باباجانی برویم و سال تحویل را در میان زلزله‌ده‌ها باشیم، همچنین قرار است با حضور مربیان برنامه‌های شادی برای کودکان زلزله‌زده اجرا شود تا آنها سال خوب را با حس خوبی شروع کنند و هدیه‌های خوبی هم به آنها داده می‌شود.» به گفته فتاحی، در برنامه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تمرکز بر روی کودکان است.

مربیان کانون برای کودکان مناطق دیگر زلزله‌زده کرمانشاه هم برنامه‌هایی دارند، یکی از آنها طرح عیدانه کتاب است: «این برنامه قرار است برای کودکان زلزله‌زده و محروم برگزار شده، این‌بار به صورت میان‌مناطق زلزله‌زده از شهر تا روستاهای چرخند وبه کودکان کتاب عیدی می‌دهند.»

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان کرمانشاه قصد دارد در قالب نمایشگاهی دست‌سازهای کودکان زلزله‌زده را هم به فروش رساند: «قرار است

جامعه

پیشنهادهای «شهروند» برای سفرهای غیر معمولی در نوروز پیش رو

خاص و ویژه سفر کنید



می‌شود با قایق مفتق رفت که بافتش مر چانی است. این جا شب‌ها با نور ماه و ستاره‌ها روشن است، نه هیچ چراغ دیگری، شاید برای همین است که دیدن ساحل مفتق تجزیه‌بهنیای باقیاتوسی و آسمان است.

شیریز: روزیادیدن در دل کوه

کوهدشت لرستان علاوه بر سیاحتگرانه‌های میرملاس و انارستان تنگ سیاو، در‌های دارد که شبیه یک روایست. برای آنها که شیفته طبیعت‌گردی‌اند و به دنبال مکان‌های بکر، شیریز، انتخاب شگفت‌انگیزی است؛ جایی مثل یک تصویر کارت پستی‌الی که کمی ناشناخته است. این دره باستانی در ۴۵ کیلومتری شمال شرقی کوهدشت است. هر سر راه رودخانه سیمره که خود رودخانه حیرت‌انگیزی است. تنگه شیرز البته بیشتر از این‌هاست: کوه‌های سر به فلک کشیده، غارهای تاریخی، صخره‌های تند و تیز، آبشارهای روان، چشمه‌های زلال و میوه‌های وحشی.

قدمن در مزرعه عروسک‌ها

از دور این‌طور پیدااست که آدم‌ها در مزرعه مشغول کشت و کارند یا ایستاده‌اند و تماشا می‌کنند، اما از نزدیک وضع دیگری است. آنها فقط عروسک‌اند؛ عروسک‌هایی البته بیشتر از چهارپایر اندازه یک آدم معمولی. مزرعه عروسک‌ها، اولش یک مزرعه بود شبییه مزرعه‌های دیگر، اما از وقتی فاطمه عباسی لباس‌های کهنه را دور چوب و فلز پیچید، عروسک‌ها جان گرفتند و در مزرعه مشغول کار شدند. عروس‌ها و دامادهای بزرگ در چمن‌ها نشستند، در فاصله ۲۵ کیلومتری شمال شرق اردکان، این مزرعه به محل زندگی عروسک‌های دست‌ساز تبدیل شده است. زنی که این ۴۰ آدم عروسکی را در زمین چیده، برای هر کدام حکایتی دارد. وقتی به این مزرعه می‌گذاری، اول شوکه می‌شوی اما وقتی با سازنده عروسک‌ها حرف می‌زنی، شیفته پیچیدگی حرف‌هایش می‌شوی و زندگی‌ای که او تجربه کرده.

یک چاله در نویت

کویر مصر دیگر آن مکان ناشناخته‌ای نیست که تصور بشود از ایران جدلست. از میان دیدنی‌های کویر مصر اما چال سلکئون در اصفهان، یکی از دیدنی‌هاست؛ یک اتفاق زمین‌شناسی زیبا بر روی دست‌رگان. چاله سلکئون در جنوب کویر بزرگ مرکزی ایران و شمال روستای مصر



کرمانش